

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگرفته از : ویلاگ ساکر، ۱۶ دسمبر ۲۰۲۲\*  
برگردان: سایت «۱۰ مهر»  
۰۳ جنوری ۲۰۲۳

## پیش‌بینی مایکل هادسون از جنگ در اوکراین و آینده اروپا



به‌نظر می‌رسد روسیه در فیروزی یا مارچ براحتی برنده خواهد شد. احتمالاً یک منطقه غیرنظامی ایجاد خواهد کرد تا از مناطق روسی‌زبان (احتمالاً در روسیه گنجانده شده است) به‌منظور جلوگیری از خرابکاری و تروریسم در برابر غرب طرفدار ناتو محافظت کند.

به اروپا گفته می‌شود که به‌جای جست و جوی منافع متقابل از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل، به تحریم روسیه و متحدانش ادامه دهد. ایالات متحده ممکن است از پولند و سایر کشورها بخواهد که با تقلید از اوکراین «تا آخرین پولندی یا لیتوانیایی جنگند». این امر بر هنگری فشار خواهد آورد. اما بیشتر از همه، اصرار بر این است که اروپا مبلغ هنگفتی را برای تسلیح مجدد، عمدتاً با تسلیحات امریکائی، خرج کند. این هزینه، هزینه‌های اجتماعی برای کمک به اروپا برای مقابله با رکود صنعتی در حال گسترش، یا یارانه‌ها برای احیای صنعت خود را از بین می‌برد. بنابراین یک اقتصاد نظامی‌شده به سربار فزاینده‌ای تبدیل خواهد شد - و این در حالی است که بدهی‌های مصرف‌کننده و صنعتی همراه با بدهی دولت افزایش می‌یابد.

با وقوع این اتفاق، روسیه ممکن است از ناتو بخواهد که مرزهای خود را به مرزهای قبل از ۱۹۹۱ بازگرداند. این محتمل‌ترین نقطه درگیری است.

\*\*\*\*\*

پروفسور هادسون عزیز،

آخرین بار که با هم صحبت کردیم، در ماه جون برای مجله چاپی المانی «فور» بود. در حال حاضر من برای رادیو مگا MEGA Radiو، یک ایستگاه خبری رادیویی برای المان، اتریش و سوئیس کار می‌کنم. مابرنامه‌های خودمان را از وین پخش می‌کنیم و در برلین، باواریا و اتریش هم حضور داریم.

بدین وسیله من برای ضبط یک برنامه رادیویی از طریق ZOOM، شما را دعوت به مصاحبه دیگری می‌کنم. این یک به‌روزرسانی آخرین مصاحبه ما خواهد بود. شاید حدود ۳۰ - ۲۰ دقیقه طول بکشد.

آخرین صحبت‌های ما را می‌توان در لینک زیر دید. (۱)

نمی‌دانم، شاید دیر دست به‌کار شده‌ام و زمان خیلی کوتاه است، اما آیا شما برای چنین مصاحبه‌ای هفته آینده یا هفته بعد وقت خواهید داشت؟ در غیر این صورت، باید بگذاریم برای اوایل جنوری.

و این هم سوالات من:

شما در آخرین مصاحبه ما برای مجله «فور - Four» پیش‌بینی‌هایی کردید که درست از آب درآمد. شما در مورد بحران تولید کود در شرکت‌های المانی صحبت کردید. این مسأله هم فقط چند هفته پس از مصاحبه ما، به تیر خیرها تبدیل شد. شما همچنین گفتید: «آنچه به‌عنوان» مسدود کردن «نورد استریم ۲» توصیف می‌کنید، در واقع یک سیاست خرید امریکائی است. این موضوع اکنون پس از تخریب خطوط لوله نورد استریم نیز بیش از پیش آشکار شد. می‌توانید در مورد آن نظر دهید؟

**مایکل هادسون:** سیاست خارجی ایالات متحده مدت‌هاست که بر کنترل تجارت بین‌المللی نفت متمرکز شده است. این تجارت نقش مهمی در تراز پرداخت‌های ایالات متحده دارد و کنترل آن به دیپلمات‌های امریکائی این امکان را می‌دهد تا به کشورهای دیگر فشار بیاورند. نفت منبع کلیدی انرژی است، و افزایش به‌روزی نیروی کار و تولید ناخالص داخلی برای اقتصادهای پیشرو نشان‌دهنده افزایش مصرف انرژی به ازای هر کارگر است. نفت و گاز نه تنها برای سوزاندن انرژی هستند، بلکه یک ورودی کیمیائی اولیه برای کودها و از این رو برای به‌روزی کشاورزی، و همچنین برای تولید پلاستیک و سایر مواد کیمیائی می‌باشند.

بنابراین ستراتیژیست‌های امریکائی می‌دانند که قطع ارتباط کشورها از نفت و مشتقات آن، صنعت و کشاورزی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. توانائی اعمال چنین تحریم‌هایی به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که کشورها را به تبعیت از سیاست‌های ایالات متحده وابسته کند تا از تجارت نفت محروم و «تکفیر» نشوند. دیپلمات‌های امریکائی سال‌هاست که به اروپا می‌گویند به نفت و گاز روسیه تکیه نکنند. هدف از این کار دو چیز است: محروم کردن روسیه از مازاد تجاری عمده‌اش و تسخیر بازار وسیع اروپا برای تولیدکنندگان نفت امریکا. دیپلمات‌های امریکائی رهبران المان را متقاعد کردند که خط لوله نورد استریم ۲ را تأیید نکنند و در نهایت به‌بهانه جنگ ناتو با روسیه در اوکراین، با اقدامی یک‌جانبه هر دو خط لوله نورد استریم ۱ و ۲ را تخریب کردند.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** در کتاب جدید شما «سرنوشت تمدن: سرمایه‌داری مالی، سرمایه‌داری صنعتی، یا سوسیالیسم»، شما می‌گویند که اقتصاد جهانی اکنون بین دو بخش در حال تقسیم است، امریکا و اروپا بخش دالری شده است. و این واحد نئولیبرال غربی، اوراسیا و بیشتر جنوب جهانی را به یک گروه جداگانه دیگری سوق می‌دهد. شما همین را در مصاحبه‌ای در ماه نومبر نیز بیان کردید. ممکن است این را برای شنوندگان ما توضیح دهید؟ (۲)

**مایکل هادسون:** این انشعاب نه تنها جغرافیائی است، بلکه بیش از همه منعکس‌کننده تضاد بین نئولیبرالیسم غربی و منطق سنتی سرمایه‌داری صنعتی است. غرب با جایگزین کردن سرمایه‌داری صنعتی با سرمایه‌داری مالی، در ابتداء با

مهاجرت به خارج از کشور در تلاش برای پائین نگه داشتن دستمزدهای خود با به‌کارگیری نیروی کار خارجی، و سپس تلاش برای ایجاد و استفاده از امتیازات و بازارهای انحصاری یا اسلحه (و اکنون نفت) و ملزومات فن‌آوری بالا، برای تبدیل شدن به اقتصادهای رانتهی.

یک قرن پیش، انتظار می‌رفت که سرمایه‌داری صنعتی به سوسیالیسم صنعتی تبدیل شود، سوسیالیسمی که در آن دولت‌ها خدمات زیربنایی اولیه‌ی یارانه‌ئی (مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، ارتباطات، تحقیق و توسعه) را برای به حداقل رساندن هزینه‌های زندگی و تجارت خود ارائه دهند. ایالات متحده، المان و سایر کشورها اینگونه قدرت صنعتی خود را ایجاد کردند، و اخیراً چین و سایر کشورهای اوراسیا نیز چنین کرده‌اند. اما انتخاب غرب برای خصوصی‌سازی و مالی‌سازی زیرساخت‌های اساسی خود، از بین بردن نقش دولت و تغییر برنامه‌ریزی به وال استریت، لندن و سایر مراکز مالی، چیزی برای ارائه به کشورهای دیگر باقی نگذاشته است - به‌جز یا وعده عدم بمباران، و یا اگر بخواهند ثروت خود را به‌جای انتقال به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های امریکائی، در دستان خود نگه دارند، دشمن دانستن آنها. نتیجه این است که وقتی چین و سایر کشورها اقتصاد خود را به همان شیوه‌ای که ایالات متحده از پایان جنگ داخلی تا جنگ جهانی دوم انجام داد، ایجاد می‌کنند، به‌عنوان دشمن با آنها رفتار می‌شود. گوئی دیپلمات‌های امریکائی می‌بینند که بازی شکست خورده است و اقتصاد آن‌ها آنقدر بدهکار، خصوصی‌سازی و پرهزینه شده است که نمی‌تواند رقابت کند، به‌طوری که امیدوارند تا زمانی که بازی نهائی شود، کشورهای دیگر را به خراج‌گذاران وابسته تبدیل کنند. اگر ایالات متحده موفق شود نئولیبرالیسم مالی را به جهان تحمیل کند، دیگر کشورها با همان مشکلاتی روبه‌رو خواهند شد که امروز ایالات متحده تجربه می‌کند.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** اکنون در المان اولین پایانه‌های LNG از ایالات متحده افتتاح شده است. چگونه این امر بر تجارت و وابستگی متقابل / وابستگی بین المان و ایالات متحده تأثیر می‌گذارد؟

**مایکل هادسون:** تحریم‌های ایالات متحده و تخریب نورد استریم ۱ و ۲، اروپا را با هزینه‌ی گاز LNG بسیار بالا (حدود شش برابر هزینه‌ی پرداختی امریکائی‌ها و آسیائی‌ها) به منابع ایالات متحده وابسته کرده است که المان و سایر کشورها برای رقابت در فولادسازی، شیشه‌سازی، آلومینیوم و بسیاری از بخش‌های دیگر توانائی خود را از دست داده‌اند. این کار تولید یک خلاء می‌کند که شرکت‌های وابسته به ایالات متحده می‌توانند با سرمایه‌گذاری‌های خود در سایر کشورها یا حتی خود ایالات متحده، جای آن را پر کنند.

انتظار می‌رود که صنایع سنگین، صنایع کیمیائی و سایر تولیدات المان و سایر کشورهای اروپائی برای به‌دست آوردن نفت و سایر کالاهای ضروری که به آنها گفته می‌شود نیاید از روسیه، ایران یا سایر جایگزین‌ها بخرند، مجبور به نقل مکان به ایالات متحده باشند. فرض بر این است که می‌توان با اعمال تحریم‌ها، جریمه‌ها و مداخله‌ی سیاسی در سیاست اروپا از طریق سازمان‌های غیردولتی ایالات متحده و اقمار بنیاد ملی برای دموکراسی، از حرکت آنها به روسیه یا آسیا جلوگیری کرد، همانطور که از سال ۱۹۴۵ تاکنون چنین بوده است. ما می‌توانیم انتظار یک عملیات جدید گلا دیو \*\* را داشته باشیم تا از سیاستمدارانی که مایل به تداوم این گسست جهانی و انتقال صنعت اروپائی به ایالات متحده هستند، حمایت کند.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** یک سؤال این است که آیا کارگران ماهر المان از این روش پیروی خواهند کرد؟ معمولاً در چنین شرایطی چنین است. کشورهای بالتیک این نوع کاهش جمعیتی را تجربه کرده‌اند. این محصول فرعی سیاست نئولیبرال است.

دیدگاه شما در مورد وضعیت نظامی کنونی در جنگ روسیه/اوکراین چیست؟

**مایکل هادسون:** به نظر می‌رسد روسیه در فبروری یا مارچ براحتی برنده خواهد شد. احتمالاً یک منطقه غیرنظامی ایجاد خواهد کرد تا از مناطق روسی‌زبان (احتمالاً در روسیه گنجانده شده است) به منظور جلوگیری از خرابکاری و تروریسم در برابر غرب طرفدار ناتو محافظت کند.

به اروپا گفته می‌شود که به‌جای جست و جوی منافع متقابل از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری متقابل، به تحریم روسیه و متحدانش ادامه دهد. ایالات متحده ممکن است از پولند و سایر کشورها بخواهد که با تقلید از اوکراین «تا آخرین پولندی یا لیتوانیایی بجنند». این امر بر هنگری فشار خواهد آورد. اما بیشتر از همه، اصرار بر این است که اروپا مبلغ هنگفتی را برای تسلیح مجدد، عمدتاً با تسلیحات امریکائی، خرج کند. این هزینه، هزینه‌های اجتماعی برای کمک به اروپا برای مقابله با رکود صنعتی در حال گسترش، یا یارانه‌ها برای احیای صنعت خود را از بین می‌برد. بنابراین یک اقتصاد نظامی‌شده به سربار فزاینده‌ای تبدیل خواهد شد - و این در حالی است که بدهی‌های مصرف‌کننده و صنعتی همراه با بدهی دولت افزایش می‌یابد.

با وقوع این اتفاق، روسیه ممکن است از ناتو بخواهد که مرزهای خود را به مرزهای قبل از ۱۹۹۱ بازگرداند. این محتمل‌ترین نقطه درگیری است.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** وضعیت مالی فعلی در این جنگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دولت‌های G7 و اتحادیه اروپا در حال حاضر در مورد بازسازی پس از جنگ در اوکراین صحبت می‌کنند. این برای شرکت‌های غربی و سرمایه‌داری مالی چه معنایی دارد؟

**مایکل هادسون:** اوکراین بسختی قابل بازسازی است. اول از همه، جمعیت قابل توجهی از اوکراین خارج شده است و با توجه به تخریب مسکن و زیرساخت‌ها - و شوهران - بسیاری بعید است که بازگردند.

دوم، اوکراین عمدتاً متعلق به گروه محدودی از دزدسالاران است - که سعی دارند خود را به سرمایه‌گذاران کشاورزی غربی و دیگر کرکس‌ها بفروشند. (فکر می‌کنم می‌دانید آنها چه کسانی هستند).

در حال حاضر اوکراین غرق در بدهی است، و تبدیل به شاهنشین صندوق بین‌المللی پول (یعنی در عمل، ناتو) شده است. از اروپا خواسته می‌شود تا «سهمی» بپردازد و ذخایر خارجی مصادره شده از روسیه می‌تواند در استخدام شرکت‌های امریکائی برای ارتکاب قتل مالی به منظور بازسازی جعلی اقتصاد در اوکراین مورد استفاده قرار گیرد و این کشور حتی بسیار بیشتر هم بدهکار شود.

وزیر امور خارجه جدید حزب دمکرات امریکا، به مادلین آلبرایت خواهد پیوست و خواهد گفت برای هزینه‌های گسترش دمکراسی به سبک ایالات متحده امریکا، «آنقدر ارزش داشت» تا سربازان اوکراینی کشته شوند و کودکان از بین بروند و اقتصاد کشور نابود گردد.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** من پیشینه گزارش‌های زیادی در مورد تحریم‌ها علیه روسیه را خوانده‌ام. به نظر می‌رسد که از یکسو تحریم‌ها بیشتر و سخت‌تر به روسیه ضربه می‌زند، زیرا آنها نمی‌توانند همه محصولات، به ویژه تکنولوژی را برای خود تولید کنند؛ و از سوی دیگر، روسیه اکنون تجارت و خریداران پایدارتری با چین و هند دارد. بر اساس تحلیل شما، تحریم‌ها چه تأثیرات خاصی دارد؟

**مایکل هادسون:** تحریم‌های ایالات متحده تبدیل به یک موهبت غیرقابل پیش‌بینی برای روسیه شده است. به‌عنوان مثال، در بخش کشاورزی، تحریم‌ها علیه صادرات لبنیات لیتوانیایی و سایر محصولات بالتیک منجر به شکوفایی بخش پنیر و لبنیات داخلی روسیه شده است. روسیه در حال حاضر بزرگترین صادرکننده غلات در جهان است، به لطف تحریم‌های

غرب، با تعرفه‌های حمایتی و سهمیه‌های وارداتی که ایالات متحده در دهه ۱۹۳۰ برای نوسازی بخش کشاورزی خود استفاده کرد، تأثیری مشابه داشته است.

اگر پرزیدنت بایدن یک مأمور مخفی روسیه بود، بسختی می‌توانست بیشتر به روسیه کمک کند. روسیه به انزوای اقتصادی حمایت‌گرایی نیاز داشت، اما در عین حال به اندازه‌ای شایسته سیاست تجارت آزاد نئولیبرالی بود که نمی‌توانست این کار را به‌تنهایی انجام دهد. بنابراین می‌شود گفت که ایالات متحده این کار را برای آن انجام داد. تحریم‌ها کشورها را ملزم می‌کند که حداقل در نیازهای اساسی مانند غذا و انرژی، به خود متکی باشند. این خوداتکائی بهترین دفاع در برابر بی‌ثباتی اقتصادی ایالات متحده برای تغییر رژیم و اقدامات مشابه است.

یک اثر دیگر آن این است که روسیه حتی پس از پایان جنگ در اوکراین، نیاز به خرید بسیار کمتری از اروپا خواهد داشت. و به همین سبب روسیه نیاز کمتری به صادرات مواد خام به اروپا پیدا خواهد کرد و می‌تواند اینها را برای خودش به‌کار زند. هسته صنعتی که اروپا بود ممکن است بیشتر به روسیه و متحدان آسیائی‌اش ختم شود تا ایالات متحده. این نتیجه طعنه‌آمیز پرده آهنین جدید ناتو است.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** چین، روسیه و هند را چگونه توصیف می‌کنید: آیا سرمایه‌داری صنعتی یا سوسیالیسم را در آنجا می‌بینید؟

**مایکل هادسون:** (روسیه، هند و چین RIC) هسته اولیه بریکس بودند که اکنون بشدت گسترش یافته و ایران و بسیاری از آسیای مرکزی و خطوط مرتبط با طرح کمربند و جاده چین را شامل می‌شود. هدف این است که اوراسیا دیگر مجبور نباشد به اروپا یا امریکای شمالی تکیه کند.

دونالد رامسفلد، وزیر دفاع، اغلب از «اروپای قدیم» به‌عنوان یک منطقه مرده در حال کوچک شدن یاد می‌کند. «اروپای قدیم» نتوانست با یارانه‌های دولتی برنامه‌های یک قرن پیش خود را برای تبدیل شدن به یک اقتصاد اجتماعی‌شده برای افزایش استانداردهای زندگی و بهره‌وری نیروی کار و علم و صنعت دنبال کند. اروپا نغتنها مارکسیسم را، بلکه اساس تحلیل مارکسیستی در اقتصاد کلاسیک آدام اسمیت، جان استوارت میل و معاصران آنها را نیز رد کرد. این مسیر در اوراسیا طی شده است، و این در حالی است که جناح راست ضددولتی لیبرال مکتب اتریش و شیکاگو، اقتصاد ناتو را از درون ویران کرده است. همانطور که جایگاه رهبری صنعتی و فناوری به‌سمت شرق حرکت می‌کند، سرمایه‌گذاری و نیروی کار اروپائی نیز احتمالاً آن را دنبال خواهد کرد.

کشورهای اوراسیا همچنان به‌عنوان توریست از اروپا دیدن خواهند کرد، همانطور که امریکائی‌ها دوست دارند از انگلستان به‌عنوان نوعی پارک تفریحی ویژه نجیب‌زادگان پساقتدالی، گمارده شدن نگهبانان کاخ و دیگر خاطرات جالب از روزهای شوالیه‌ها و اژدهاها دیدن کنند. کشورهای اروپائی بیشتر شبیه جامائیکا و بحیره کارائیب خواهند بود و هتل‌ها و مهمان‌نوازی به بخش‌های اصلی رشد تبدیل می‌شوند و پیشخدمت‌های فرانسوی و آلمانی لباس‌های شبه‌هالیوودی عجیب خود را می‌پوشند. موزه‌ها تجارت پُررونقی خواهند داشت زیرا اروپا خود به‌نوعی موزه فراصنعتی تبدیل می‌شود.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** اخیراً شاهد سقوط و ورشکستگی صرافی رمز ارز FTX بودیم. مدیریت این شرکت بشدت مجرمانه به‌نظر می‌رسد. چگونه آن را قضاوت می‌کنید؟

**مایکل هادسون:** جرم و جنایت چیزی است که رمز ارز (کریپتو) را در چند سال گذشته به یک بخش رشد تبدیل کرده است. سرمایه‌گذاران رمز ارز را خریدند زیرا وسیله‌ای برای ثروت‌های حاصل از تجارت بین‌المللی مواد مخدر، تجارت اسلحه، سایر جرایم و فرار مالیاتی است. اینها بخش‌های بزرگ رشد پسا صنعتی در اقتصادهای غربی هستند.

طرح‌های پونزی اغلب وسایل سرمایه‌گذاری خوبی در مرحله راه‌اندازی خود هستند - مرحله پمپ و تخلیه. این اجتناب‌ناپذیر بود که مجرمان نه‌تنها از رمزنگاری برای انتقال پول استفاده نمایند، بلکه در واقع ارزهای خود را «عاری از مقررات ظالمانه دولتی» راه‌اندازی کنند. جنایتکاران، آزادی‌خواهان مکتب شیکاگو در بازار آزاد هستند. هرکسی می‌تواند واحد پولی خود را ایجاد کند، درست همان‌طور که بانک‌های غرب وحشی ایالات متحده در اواسط قرن نوزدهم انجام دادند و ارز را به دلخواه خود چاپ کردند. هنگامی که در اوایل قرن بیستم به خرید می‌رفتید، فروشگاه‌ها هنوز لیست‌هایی با اسکناس‌های مختلف در حال تغییر داشتند. بهترین طراحی‌شده‌ها موفق‌ترین بودند.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** آیا اطلاعاتی در مورد روابط تجاری بین رمز ارز FTX و اوکراین، دولت کیف دارید؟ آیا در این باره برخی شایعات و مطالب مطبوعاتی در رسانه‌های جایگزین وجود داشت؟

**مایکل هادسون:** صندوق بین‌المللی پول و کنگره مبالغ زیادی پول به دولت اوکراین و دزدسالاران مسوول آن پرداخت کرده‌اند. روزنامه‌ها گزارش می‌دهند که بیشتر این پول به رمز ارز FTX ارسال شده - که به دومین سرمایه‌گذار بزرگ حزب دموکرات تبدیل شده است (پس از جورج سوروس، که گفته می‌شود او نیز در تلاش برای خرید دارایی‌های اوکراین است). بنابراین به نظر می‌رسد یک چرخه‌ای در کار است: کنگره ایالات متحده به تأمین مالی برای اوکراین رأی می‌دهد، که بخشی از این پول را در رمزنگاری FTX قرار دهد تا برای کمپین سیاسی سیاستمداران طرفدار اوکراین پرداخت شود.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** چند ماه پیش مقالاتی در مطبوعات ایالات متحده در مورد برنامه‌های FED منتشر شد: آنها در حال برنامه ریزی برای معرفی یک دالر دیجیتال، یک ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) هستند. همچنین در اروپا، مادام لاگارد، رئیس بانک مرکزی اروپا، و لیندبر، وزیر دارایی آلمان، در مورد معرفی یورو دیجیتال در اروپا صحبت می‌کنند. در آلمان، برخی از کارشناسان منتقد هشدار می‌دهند که این کار تنها نظارت کامل بر مردم و مشتریان را ارتقاء می‌دهد. برداشت شما از ارزهای دیجیتال چیست؟

**مایکل هادسون:** این بخش من نیست. همه بانک‌ها الکترونیکی هستند، بنابراین «دیجیتال» به چه معناست؟ برای آزادیخواهان، این به معنای عدم نظارت دولت است، اما در دست دولت، دولت سابقه هر چیزی که هر کسی خرج می‌کند خواهد داشت.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** دیدگاه شما در مورد ضعف یا قدرت فعلی دالر امریکا، یورو، پوند انگلیس، طلا و نقره چیست؟

**مایکل هادسون:** دالر به لطف موفقیت آن در وابستگی منطقه یورو به خود، همچنان در تقاضا باقی خواهد ماند. پوند انگلیس از حمایت کمی برخوردار است و دلیل کمی برای سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در آن وجود دارد. یورو یکی از اقمار کوچک دالر است.

بدون دالر یا ارز دیگر برای نگهداری ذخایر پولی خود، دولت‌ها نسبت به افزایش نگهداری طلا ادامه خواهند داد، زیرا بدهی‌های دولتی به آن وابسته نیست - بنابراین مقامات امریکائی نمی‌توانند بسادگی آن را تسخیر کنند، همان کاری را که در مورد ذخایر خارجی روسیه کردند. به کشورهای منطقه یورو نیز نمی‌توان اعتماد کرد که از دستورات ایالات متحده پیروی نکنند و ذخایر ارزی کشورهای خارجی را مسدود نسازند، از همین رو از آن اجتناب می‌شود.

با کاهش نرخ مبادله یورو در برابر دالر، سرمایه‌گذاری خارجی کاهش می‌یابد، زیرا سرمایه‌گذاران نمی‌خواهند اولاً در بازار در حال کوچک شدن وارد شوند، و ثانیاً شرکت‌هایی که یورو داخلی با ارزش کمتر و کمتر در مقابل دالر یا سایر ارزهای سخت دیگر کسب می‌کنند، برای دفاتر مرکزی سرمایه‌گذاری کنند.

البته، طلا باید در خانه (کشور) نگهداری شود تا بسادگی نتوان آن را به چنگ آورد، همان‌طور که بانک انگلستان طلاهای ونزولا را قاپید و آن را به نمایندگی راست‌گرای امریکا تحویل داد. عاقلانه است که المان در انتقال طلای خود از انبارهای بانک فدرال رزرو امریکا در شهر نیویورک تسریع کند.

**برای مخاطبان ما، شنوندگان ما:** تحلیل فعلی شما از بحران‌های انرژی و مالی در جهان چیست؟

**مایکل هادسون:** هیچ بحران واقعی به اندازه سقوط تدریجی وجود ندارد. افزایش قیمت‌ها برای آنچه که امریکا صادر می‌کند، است: نفت، غذا و کالاهای انحصاری فناوری اطلاعات، با افزایش هزینه‌های زندگی مصرف‌کنندگان سریع‌تر از دستمزدها. بنابراین یک فشار شدیدی بر اکثر خانواده‌ها وارد خواهد شد. طبقه متوسط بالاخره متوجه خواهد شد که واقعاً طبقه مزدبگیر است و عمیق‌تر در بدهی‌ها فرو خواهد رفت - به خصوص اگر سعی کند با گرفتن وام مسکن برای خرید خانه از خود محافظت کند.

من برای تاریخ بدهی خود، قرن‌های ۱۱ و ۱۲ را مطالعه کرده‌ام و به داستانی برخوردیم که ممکن است با سوالاتی که شما پرسیده‌اید مرتبط باشد. ناتو مدام ادعا می‌کند که یک اتحاد دفاعی است. اما روسیه تمایلی به حمله به اروپا ندارد. دلیل واضح است: هیچ ارتشی نمی‌تواند به یک کشور بزرگ حمله کند. مهم‌تر از آن، روسیه حتی انگیزه‌ای برای نابودی اروپا به‌عنوان یک دشمن دست‌نشانده امریکا ندارد. اروپا هم اکنون در حال خود ویرانگری است.

یاد نبرد مانزیکرت Manzikert در سال ۱۰۷۱ می‌افتم، زمانی که امپراتوری بیزانس در مقابل ترکان سلجوقی شکست خورد (بیشتر به این دلیل که جنرالی که امپراتور به او وابسته بود، آندرونیکوس دوکاس، به دشمن پیوست، و سپس امپراتور را سرنگون کرد. جنگ صلیبی پادشاهان، یک مکمل بازی، جزئیات بیشتری را ارائه می‌دهد. گزارش نبرد و ادعاهای مذاکرات زیر بین آلپ ارسلان و رومانوس صورت گرفته است:

آلپ ارسلان: «اگر من را به‌عنوان زندانی پیش شما بیاورند، چه می‌کنید؟»

رومانوس: «شاید تو را بکشم یا در خیابان‌های قسطنطنیه به نمایش بگذارم.»

آلپ ارسلان: «مجازات من بسیار سنگین‌تر است. تو را می‌بخشم و آزادت می‌کنم.»

این مجازاتی است که اروپا از اوراسیا دریافت خواهد کرد. رهبران اروپا انتخاب خود را کرده اند: اقمار ایالات متحده بودن.

\* <https://thesaker.is/michael-hudson-gives-an-interview-to-a-german-magazine/>

۱- <https://www.vierte.online/2022/06/03/ukraine-a-trojan-for-germanys-us-dependence/>

۲- <https://michael-hudson.com/2022/11/the-rentier-economy-is-a-free-lunch/>

\*\* عملیات گلا دیو (به انگلیسی Gladio Operation) و به‌طور مخفف (GLADIO)، در ۲۶ نوامبر ۱۹۵۶ (۱۵ فروردین - حمل - ۱۳۲۸) با هدف دفاع جمعی در رُم پایه‌گذاری شد و در ۲۷ جولای ۱۹۹۰ به‌طور رسمی انحلال آن اعلام گردید. گلا دیو نام رمزنگاری شده برای چندین عملیات مخفیانه مسلحانه بود که ابتداء در کشورهای اتحادیه اروپای غربی (WU) و سپس در کشورهای عضو ناتو برای مقابله با نفوذ شوروی و پیمان ورشو طراحی و اجراء می‌شد. گلا دیو که در زبان لاتین به‌معنای شمشیر دولبه کوتاه گلا دیاتورها هست اگرچه اسم رمز شبکه مخفی ایتالیایی تحت کنترل ناتو می‌باشد اما به‌طور عموم به کلیه شبکه‌های مخفی تحت کنترل ناتو در سایر کشورهای اروپایی نیز اطلاق می‌گردد. (ویکی پدیا)